

سبب آن و جهت قوام بخشیدن به این معجون شفا بخش، شربت شهادت نوشید  
و تسلیم ستمگران نشد.

با نماز به خدا تقرب جوئید

کمال آدمی در تخلّق به اخلاق الهی است، پس هر چه انسان ملکوتی تر شود و از  
عالم ماده و تعلّقات و آایشهای آن وارسته شود و به یک سخن، هر چه بشر به  
مقام ربوبی نزدیک تر شود، به همان اندازه به کمال مطلوب انسانی متقرب تر است.  
انسان پرهیزکار که از دیدگاه اسلام نمونه انسان کامل است با نماز به خدا تقرب  
می جوید و بدین وسیله به منبع و سرچشمه کمال نزدیکتر می شود. در این باره  
مولا علی - علیه السلام - در نهج البلاغه فرمودند: «الصلوة قُربانٌ كُلُّ تَقِيٍّ»<sup>۱</sup>؛ نماز  
وسیله تقرب هر انسان با پرواست.

حضرت نماز را موجب نزدیکی با تقوایان به خدا می داند. آنان که روحشان را  
از هر پلیدی و زشتی حفاظت کرده و در دژی مستحکم از همه آفت‌ها، دور نگه  
می دارند، خدا با آنهاست، ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾<sup>۲</sup>

آنان که سرانجام نیکو دارند: ﴿وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ﴾<sup>۳</sup> و در سایه  
درختان بهشت و نه‌های جاری متنعم اند: ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ضِلَالٍ وَعُيُونٍ﴾<sup>۴</sup>  
متقین در سایه سار نماز، که کامل‌ترین و بهترین ذکر خداست، می توانند  
موجبات نزدیکی هر چه بیشتر خود را به خالق یگانه فراهم آورند.

بی گمان همه انسان‌ها فطرتاً به دنبال نوعی کمال اند و هر یک کمال خود را  
در چیزی می دانند ولیکن اساس تقرب، نزدیکی جستن به خداست.

نماز کامل، سبب قرب و منزلت و نزدیکی به معبود است؛ زیرا چنان که ثابت

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۳۶.

۲- سوره بقره (۲) آیه ۱۹۲.

۳- سوره (ص) (۳۸) آیه ۴۹.

۴- سوره (ص) (۳۸) آیه ۴۹.

## نماز در قرآن

مهدی سلطانی رنائی

مقدمه

مظهر اتم پرستش، «نماز» است. نماز جزء اصول دین نیست، ولی با این حال، از  
آن دسته فروعی است که در شریعت آدم، ابراهیم، موسی و عیسی به گونه‌ای  
وجود داشته است.

نماز نوبت احکام الهی و اسلامی است که روح آدمی را جلا و صفا می بخشد، و  
ما برآنیم که هر چند اجمالی نماز را در مکتب امام علی - علیه السلام - و در نگاه  
عرفانی امام حسین - علیه السلام - مورد تحقیق و بررسی قرار دهیم و نمایان  
سازیم که در نظر عمیق آن دو، «نماز» آن چنان اهمّیت داشت که هنگام ادایش  
سر از پا نمی شناختند. حضرت علی - علیه السلام - حتی در حساس‌ترین  
لحظه‌های میدان جنگ، نماز را اول وقت می خواند و حاضر نبود لحظه‌ای آن را به  
تأخیر اندازد. همچنین عظمت نماز امام حسین - علیه السلام - در ظهر عاشورا،  
آن زمانی که آماج حمله‌های دشمن بودند، خود گواه روشنی بر ادعاهای مذکور  
است که تمام آنها سراسر صدق و حقیقت هستند و معنای این سخن آن جا روشن  
می شود که علی - علیه السلام - در محراب عبادت ندای ملکوتی حق تعالی را با  
«قُزّت و ربّ الکعبه» لبتیک گفت و فرزندش حضرت امام حسین - علیه السلام - به

و محقق است انسان به هر چه رو آورد و توجه کامل به او داشته باشد، به وی نزدیک می شود و بعضی از اوصاف آن چیز در آینه دلش هویدا می شود و از اسرار و خصوصیات آن اطلاع می یابد. پس چگونه ممکن است کسی روی دل خود را به سوی معبود کند و از قربش بی نصیب شود؟!

درباره این که نماز چگونه قریبی بین خالق و مخلوق ایجاد می کند، باید گفت «قرب» چهار مرتبه دارد: قرب زمانی، قرب مکانی، قرب معنوی و قرب الهی.

قرب زمانی، مثل این که می گوئیم زمان حضرت رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - نزدیکتر است از زمان حضرت عیسی به ما. قرب مکانی، مثل این که می گوئیم ماه به ما نزدیکتر است از خورشید. قرب معنوی، مثل این که می گوئیم عالمان به رسول خدا - صلی الله علیه و آله - از جاهلان نزدیکترند. یا آن که بگوئیم فلانی نزدیکتر است به پدرش از پسر دیگر او. قرب الهی برتر و بالاتر و دقیق تر است از قرب معنوی. قرب خداوند به تمام موجودات از جهت احاطه رحمت رحمانیه و فیض منبسط الهی یکسان است، چنان که فرمود: ﴿وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ﴾<sup>۱</sup>؛ «هر جا که باشید او با شماست». لیکن قرب مخلوقات نسبت به او تفاوت بسیاری دارد. قرب و نزدیکی هر کسی نسبت به خداوند متعال به قدر کمالات نفسانی اوست؛ چون ذات کبریایی، کامل مطلق است و کسی به او نزدیک تر است که نسبت به دیگران از حیث کمالات نفسانی و روحانی کاملتر شده است. با توجه به آنچه گفته شد، معلوم می شود که نماز حقیقی و کامل، عملی است که با آن، انسان به قرب معنوی می رسد و بر اثر مداومت و حضور قلب به خداوند متعال نزدیکتر می شود و مقام و منزلتی خاص در پیشگاه الهی پیدا می کند.

#### نماز و انبیا

قرآن کریم درباره نماز انبیا به تفصیل سخن گفته است.

۱- سوره حدید (۵۷) آیه ۴.

حضرت ابراهیم - علیه السلام - به خداوند عرض کرد:

﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي﴾<sup>۱</sup>

«پروردگارا من و ذریه مرا در زمره نمازگزاران قرار ده.»

خداوند متعال درباره حضرت اسماعیل می فرماید:

﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا﴾<sup>۲</sup>

«اسماعیل کسان خود را به نماز و زکات فرمان می داد و نزد پروردگارش

پسندیده بود.»

درباره حضرت موسی آمده است:

﴿فَاعْتَبِرْ ذُرِّيَّتِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾<sup>۳</sup>

«پس مرا به یگانگی بیست و نماز را برای من اقامه کن.»

درباره حضرت شعیب آمده است:

﴿قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلُوكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَنْبَغُ أَبَاؤُنَا﴾<sup>۴</sup>

«قوم شعیب به او گفتند: آیا این نماز تو، تو را امر می کند که دعوی رسالت

کنی و ما را از بت پرستی منع کنی.»

درباره حضرت زکریا آمده است:

﴿فَنَادَاهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ﴾<sup>۵</sup>

«پس زکریا را فرشتگان ندا کردند هنگامی که در محراب عبادت به نماز

ایستاده بود.»

درباره حضرت عیسی آمده است:

﴿وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا كُنْتُ حَيًّا﴾<sup>۶</sup>

۱- سوره ابراهیم (۱۴) آیه ۲۰.

۲- سوره مریم (۱۹) آیه ۵۵.

۳- سوره طه (۲۰) آیه ۱۴.

۴- سوره هود (۱۱) آیه ۸۷.

۵- سوره آل عمران (۳) آیه ۳۹.

۶- سوره مائده (۵) آیه ۳۱.

سیسی است. پروردگار، مرا به نماز و زکات تا زنده‌ام سفارش فرموده است.

نماز و مؤمنان

نماز و ایمان به غیب:

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾<sup>۱</sup>

«کسانی که به جهان غیب ایمان دارند و نماز را به پا می‌دارند.»

نماز از اوصاف ابرار:

﴿وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ... وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ﴾<sup>۲</sup>

«نیکوکار کسی است که به خدای عالم و... ایمان آورده و نماز به پا دارد و

زکات مال را به مستحق برساند.»

نماز مصداق کامل ایمان:

﴿وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَضِيعَ إِيْمَانُكُمْ﴾<sup>۳</sup>

«خداوند اجر پایداری شما را در راه ایمان تباہ نگرداند. (توجه به قبله و

نماز)

خشوع در نماز از صفات مؤمنان:

﴿قَدْ أَلْفَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾<sup>۴</sup>

«به راستی که مؤمنان رستگار شدند، همانان که در نمازشان خاشع‌اند.»

نماز و مؤمنان صالح:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ

رَبِّهِمْ﴾<sup>۵</sup>

۱- سوره بقره (۲) آیه ۳.

۲- همان، آیه ۱۷۷.

۳- همان آیه ۱۲۳.

۴- سوره مؤمنون (۲۳) آیه ۱-۲

۵- سوره بقره (۲) آیه ۲۷۷.

پروردگارش پاداش نیکو خواهد بود.»

اقامه نماز همت مردان مؤمن:

﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ﴾<sup>۱</sup>

«پاک مردانی که هیچ کسب و تجارتی آنان را از یاد خدا غافل نگرداند و

نماز به پا دارند.»

مؤمنان و محافظت بر نماز:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾<sup>۲</sup>

«آنان که به عالم آخرت ایمان آورده و مؤمن به قرآن هستند آنها نماز را

محافظت خواهند کرد.»

نماز و اطمینان قلبی مؤمنان:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾<sup>۳</sup>

«آنان که به خدا ایمان آورده و دلهاشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. بدانید که

تنها با یاد خداست که دل‌ها آرام می‌گیرد.»

نماز و ولایت

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾<sup>۴</sup>

«نماز را به پا دارید، زکات را بپردازید و از فرستاده خدا فرمان ببرید باشد

که مورد رحمت او واقع شوید.»

﴿فَأَقِمْ وَ الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ

النَّصِيرُ﴾<sup>۵</sup>

۱- سوره نور (۲۴) آیه ۳۷.

۲- سوره انعام (۶) آیه ۹۲.

۳- سوره رعد (۱۳) آیه ۲۸.

۴- سوره نور (۲۴) آیه ۵۵.

۵- سوره حج (۲۲) آیه ۷۸.

نماز را به پا دارید، زکات را بپردازید و به خدا متوسل شوید او دوستدار و سرپرست شماست و او بهترین یاریگر و سرپرست برای شماست.

﴿ وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ﴾ نماز را به پا می‌دارند و زکات را می‌دهند و از خدا و فرستاده او فرمان می‌برند.

### نمازگاه فرشتگان

حضرت علی - علیه السلام - هنگامی که شنید مردی دنیا را نکوهش می‌کند، ضمن بیان جملاتی شیوا و پُر محتوا در توبیخ او، صفات پسندیده‌ای را برای دنیا بر شمرد که از جمله آنها این است:

«إِنَّ الدُّنْيَا... مَسْجِدٌ أَحْبَبَ اللَّهُ وَ مُضَلَّى مَلَائِكَةِ اللَّهِ...»<sup>۱</sup>

«به درستی که دنیا مسجد محبتان خداست و نمازگاه فرشتگان خدا...»

دوستان خدا، همیشه، در هر جا و در هر حال که باشند یاد خدا و نعمتهای او را با خود دارند و به شکرانه همه مواهبی که به آنان عطا شده است، در هر فرصتی که دست دهد و مجالی که پیدا شود، به نماز قامت می‌بندند و در پیشگاه عظمت و بزرگواری آن ذات متعال به سجده افتاده و پیشانی بر خاک می‌سایند. فرشتگان نیز به یاس اخلاص و محبتی که این بندگان صالح به خدا دارند، به آنان اقتدا کرده و به نماز می‌ایستند. اینان باور دارند که دنیا مزرعه آخرت است و در این مزرعه محصولی را کشت می‌کنند که هنگام برداشت، جز بهشت جاودان و رضایت و خشنودی خداوند درو نکنند، چرا که ﴿ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ﴾<sup>۲</sup> و به این ترتیب با این که اولیای خدا در گرو دنیا ندارند، اما علی - علیه السلام - از آن جهت که می‌توان در آن، خدا را عبادت کرد، آن را ستوده است.

### آیات الهی نماز در قرآن

اهمیت و جایگاه نماز به عنوان وظیفه الهی در آیات متعدد قرآن کریم مطرح شده است. در ابتدا به آیات نماز در سوره بقره پرداخته، سپس به طرح سایر آیات در سوره‌های دیگر قرآن با عناوین رابطه نماز و ولایت؛ نماز و مؤمنان؛ نماز و انبیاء، و مخالفان نماز می‌پردازیم. در مجموع ۵۲ آیه از آیات الهی قرآن درباره نماز است.

﴿ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴾<sup>۱</sup>

« کسانی که به جهان غیب ایمان آرند نماز را به پا می‌دارند و از هر چه روزیشان کردیم، انفاق می‌کنند.»

﴿ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴾<sup>۲</sup>

« نماز را به پای دارید و زکات بدهید و با خداپرستان حق را پرستش کنید.»

﴿ وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ﴾<sup>۳</sup>

« از خداوند با صبر و نماز یاری بجوئید و صبر و نماز به غیر از خاشعان بر دیگران دشوار است.»

﴿ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حَسْبًا وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ﴾<sup>۴</sup>

« به زبان خوش با مردم تکلم کنید و نماز را به پای دارید و زکات مال خود را بدهید.»

﴿ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تَقَدَّمُوا لِنَفْسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ﴾<sup>۵</sup>

نماز را به پای دارید و زکات بدهید و بدانید آنچه برای خود پیش می‌فرستید، در نزد خدا خواهید یافت.»

۱- سوره بقره (۲) آیه ۳.

۲- همان، آیه ۴۳.

۳- سوره بقره (۲) آیه ۴۵.

۴- همان، آیه ۸۳.

۵- همان، آیه ۱۱۰.

۱- سوره توبه (۹) آیه ۷۲.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱.

۳- سوره توبه (۹) آیه ۷۲.

﴿ وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ... مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُضَلًّى... وَالْعَاقِبِينَ وَ الزُّكَّعِ السُّجُودِ ﴾<sup>۱</sup>

«به یاد آر هنگامی که قرار دادیم خانه کعبه را محل امن و دستور داده شد که مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید و از ابراهیم و فرزندش اسماعیل پیمان گرفتیم که حرم خدا را از هر پلیدی پاکیزه دارید برای این که اهل ایمان به طواف و اعتکاف حرم بیایند و در آن نماز و طاعت خدا به جای آرند.»

﴿ وَأَقَامِ الصَّلَاةَ وَآتِ الزَّكَاةَ وَالمُؤْمِنُونَ بِهِمْ إِذَا غَاظُوا ﴾<sup>۲</sup>

«[نیکوکار کسی است که]... نماز را بپا دارد و زکات بپردازد و [نیز کسانی که] هنگامی که عهد می‌بندند به عهدشان وفا می‌کنند.»

﴿ حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوَسْطَى وَ قَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ ﴾<sup>۳</sup>

«بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید و خاضعانه برای خدا به پا خیزید.»

﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَصَلُّوا الصَّالِحَاتِ وَآتَوْا الصَّلَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴾<sup>۴</sup>

«همانا آنان که اهل ایمان و نیکوکارند و نماز به پا دارند، آنان نزد پروردگارش پاداش نیکو خواهند داشت و هرگز ترس از [آینده] و اندوه [از گذشته] نخواهند داشت.»

﴿ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ صَلَّى جُنُوبِكُمْ فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا ﴾<sup>۵</sup>

«پس چون نماز به جای می‌آورد، خدا را در همه حال ایستاده، نشسته و به پهلو خفته یاد کنید و هر گاه آسوده خاطر شدید، نماز را به طور کامل

۱- همان، آیه ۲۷۵  
 ۲- همان، آیه ۸۷۷  
 ۳- همان، آیه ۲۳۸  
 ۴- همان، آیه ۲۷۷  
 ۵- بقره، آیه (۲) ۱۰۳

برپا دارید که نماز به وقت‌های معین بر مؤمنان مقرر شده است.»

﴿ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِن ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴾<sup>۱</sup>

«پروردگارا! مرا برپا دارنده نماز قرار ده و فرزندان مرا نیز، پروردگارا! دعای مرا بپذیر.»

﴿ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ﴾<sup>۲</sup>

«اسماعیل کسان خود را به نماز و زکات فرمان می‌داد و نزد پروردگارش پسندیده بود.»

﴿ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ﴾<sup>۳</sup>

«عیسی گفت که پروردگار مرا به نماز و زکات تا زنده‌ام سفارش کرد.»

﴿ أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنْ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴾<sup>۴</sup>

«آن چه را که از کتاب به تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار، که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد و به یقین یاد خدا از هر عبادتی بالاتر است و خدا می‌داند چه می‌کنید؟»

﴿ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴾<sup>۵</sup>

«به راستی که مؤمنان رستگار شدند، همانان که در نمازشان خاشع‌اند.»

﴿ فَنَادَتْهُ الْعِلَابَةُ وَ هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ ﴾<sup>۶</sup>

«پس زکریا را فرشتگان ندا کردند هنگامی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود.»

۱- سوره ابراهیم (۱۴) آیه ۴۰  
 ۲- سوره مریم (۱۹) آیه ۵۵  
 ۳- سوره مریم (۱۹) آیه ۳۱  
 ۴- سوره عنکبوت (۲۹) آیه ۲۵  
 ۵- سوره مؤمنون (۲۳) آیه ۱-۲  
 ۶- سوره آل عمران (۳) آیه ۳۹

﴿ يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴾<sup>۱</sup>

«ای مریم! فرمان بردار خدا باش و نماز را با اهل طاعت به جای آر.»

﴿ أُمَّةٌ قَانِمَةٌ تَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ ﴾<sup>۲</sup>

«طایفه‌ای از اهل کتاب در دل شب به تلاوت آیات خدا و نماز و طاعت حق مشغول هستند.»

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ ﴾<sup>۳</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا آن زمان که [از مستی بیرون آید و] بدانید چه می‌گویید.»

﴿ الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ ﴾<sup>۴</sup>

«مؤمنان کسانی‌اند که اگر در زمین قدرت و مکننت دهیم شان نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند.»

﴿ رَبَّنَا أَنْتَ اسْكَنْتَ مِنْ دُونِنَا بِغَيْرِ ذِي ذَرْعٍ رَبَّنَا لِيَقِيمُوا الصَّلَاةَ ﴾<sup>۵</sup>

«پروردگارا! من فرزندانم را در سرزمینی بی آب و علف ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند.»

﴿ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ ﴾<sup>۶</sup>

«تنها کسانی مساجد خدا را آباد می‌کنند که ایمان به خدا و روز قیامت داشته و نماز را به پا می‌دارد.»

﴿ قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴾<sup>۷</sup>

۱- همان، آیه ۲۳.

۲- همان، آیه ۱۱۳.

۳- سوره نساء (۲) آیه ۴۳.

۴- سوره حج (۲۲) آیه ۴۱.

۵- سوره ابراهیم (۱۴) آیه ۳۷.

۶- سوره حج (۲۲) آیه ۴۱.

۷- سوره اعراف (۶) آیه ۱۶۲.

«بگو: در حقیقت نماز من و سایر عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است.»

﴿ فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفًا أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ ﴾<sup>۱</sup>

«اما پس از آنان فرزندان ناشایسته است روی کارآمدند که نماز را تباه کردند.»

﴿ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخِوَانُكُمْ فِي الدِّينِ ﴾<sup>۲</sup>

«اگر توبه کنند و نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند برادر دینی شما هستند.»

﴿ وَ الَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ﴾<sup>۳</sup>

«خدا پاداش کسانی را که به قرآن چنگ می‌زنند و نماز را به پا می‌دارند، ضایع نمی‌کند.»

#### نام‌های نماز در قرآن

۱- صلوة: ﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ... الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ ﴾<sup>۴</sup>

«مؤمنان فقط کسانی‌اند که نماز را به پا می‌دارند.»

۲- ایمان: ﴿ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّحَ إِيمَانَكُمْ ﴾<sup>۵</sup>

«خدا نماز شما را بدون پاداش نمی‌گذارد.»

۳- تسبیح: ﴿ قَسْبُخَانَ اللَّهُ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تَصْبِحُونَ ﴾<sup>۶</sup>

«هنگام شام و صبح و شبانگاه و نیمروز نماز به جا آورید.»

۱- سوره مریم (۱۹) آیه ۵۹.

۲- سوره توبه (۹) آیه ۱۱.

۳- سوره اعراف (۷) آیه ۱۶۹.

۴- سوره انفال (۸) آیه ۲-۳.

۵- سوره بقره (۲) آیه ۱۲۳.

۶- سوره روم (۳۰) آیه ۱۷.

۴- قرآن: ﴿اقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ... وَقرآن الفجر﴾<sup>۱</sup>

پس از زوال آفتاب تا هنگام تاریکی شب نماز را به پای دار... و نماز صبح را بجای آور.

۵- حسنة: ﴿وَاقِمِ الصَّلَاةَ... إِنَّ الْخَسَنَاتِ يُذَهِبْنَ الشَّيْئَاتِ﴾<sup>۲</sup>

۶- رکوع: ﴿وَاقِمْ الصَّلَاةَ... وَازْكُمُوا مَعَ الرَّاٰعِيْنَ﴾<sup>۳</sup>

نماز را بجا دارید... و با نمازکنندگان. نماز به جای آورید.

۷- قنوت: ﴿يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاٰعِيْنَ﴾<sup>۴</sup>

ای مریم! برای پروردگار خود به نماز بایست.

۸- قیام و سجده: ﴿لَيْسُوا سَوَاءً، مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ، يَتْلُونَ آيَاتِ

اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ﴾<sup>۵</sup>

ولی همه آنان یکسان نیستند. از میان اهل کتاب، گروهی هستند که قیام

می‌کنند (نماز به پا می‌دارند) و در دل شب آیات الهی را در حال سجده

می‌خوانند.

۹- استغفار: ﴿وَ اللّٰهُ بِصِيْرٍ بِالْعِبَادِ الَّذِيْنَ... وَالْمُسْتَغْفِرِيْنَ بِالْاَسْحَارِ﴾<sup>۶</sup>

خداوند به امور بندگان خود بیناست. همان کسانی که می‌گویند:

پروردگارا! ما ایمان آوردیم... اینان شکیبایان، راستگویان و

فرمانبرداران و انفاق‌کنندگان و آمرزش‌خواهان در سحرگاهانند.

۱۰- ذکر: ﴿حَافِظُوا عَلٰی الصَّلَاةِ... فَاِذَا اٰمَنْتُمْ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ﴾<sup>۷</sup>

هر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید... پس اگر بیم داشتید، پیاده یا

سواره نماز کنید و چون ایمن شدید، خدا را یاد کنید.

۱۱- امانت: ﴿اِنَّا عَرَضْنَا الْاٰمَانَةَ عَلٰی السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَاَبَيْنَ اَنْ

يَحْمِلْنَهَا وَاَسْفَقْنَ بِهَا وَاَحْمَلَهَا الْاِنْسَانُ...﴾<sup>۱</sup>

ما، امانت خود را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم، از برداشتن آن

سرباز زدند و از آن ترسیدند و انسان، آن را برداشت...»

مخالفان نماز

ترک کنندگان نماز:

﴿فَلَا صَدَقَ وَاَلَسٰنِي﴾<sup>۲</sup>

«اگر هرگز ایمان نیاورد و هرگز نماز نخواند.»

سهل انگاران در نماز:

﴿قَوْلِيْلِلْمُضَلِّيْنَ الَّذِيْنَ هُمْ عَنِ صَلٰوةِيْهِمْ سَاهُوْنَ﴾<sup>۳</sup>

«پس وای بر نمازگزارانی که در نماز خود سهل انگاری می‌کنند!»

ضایع کنندگان نماز:

﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ اَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ﴾<sup>۴</sup>

«پس از آنان جانشینانی آمدند که نماز را تباه کردند و به دنبال شهوات

رفتند.»

﴿وَ اِذَا قَامُوْا اِلَى الصَّلَاةِ قَامُوْا كَسَالِيْنَ﴾<sup>۵</sup>

«منافقان هنگامی که به نماز بر می‌خیزند با کسالت بر می‌خیزند و در برابر

مردم ریا می‌کنند.»

- ۱- سوره احزاب (۳۳) آیه ۷۲.
- ۲- سوره قیامت (۷۵) آیه ۳۱.
- ۳- سوره ماعون (۱۰۷) آیه ۲-۵.
- ۴- سوره مریم (۱۹) آیه ۵۹.
- ۵- سوره نساء (۴) آیه ۱۲۲.

- ۱- سوره اسراء (۱۷) آیه ۷۸.
- ۲- سوره هود (۱۱) آیه ۱۱۲.
- ۳- سوره نقره (۲) آیه ۲۳.
- ۴- سوره آل عمران (۳) آیه ۲۳.
- ۵- همان، آیه ۱۱۳.
- ۶- همان، آیه ۱۷-۱۵.
- ۷- سوره نقره (۲) آیه ۲۲۹-۲۳۸.

نماز بر پایه یقین و ولایت

«وَسَمِعَ زَجَلًا مِنَ الْخَرُورِيَّةِ، يَتَهَجَّدُ وَيَقْرَأُ فَقَالَ: [نَوْمٌ عَلَى يَقِينٍ خَيْرٌ مِنْ

صَلَاةٍ فِي شَكٍّ].<sup>۱</sup>

حضرت علی - علیه السلام - [صدای یکی از خوارج را شنید که نماز شب

می خواند و قرآن تلاوت می کرد، فرمود: [خواب توأم با یقین بهتر از نماز با

شک است.]

نمازی که برپا داشتن آن سفارش شده، از نمازگزارانی مورد انتظار است که دلنایشان سرشار از یاد خدا و عشق به او باشد و هیچ چیز نتواند در آن خللی وارد کند.

حضرت علی - علیه السلام - درباره یقین فرموده اند:

«يُسْتَدَلُّ عَلَى الْيَقِينِ بِقَضْرِ الْأَمَلِ وَإِخْلَاصِ الْعَمَلِ وَالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا.»<sup>۲</sup>

«آنچه بر یقین دلالت می کند کوتاهی آرزو؛ خالص گردانیدن عمل و بی

رغبتی به دنیا است.»

برپا داشتن نماز از کسانی پسندیده است که به یگانگی خدا و روز جزا ایمان دارند و از آرزوهای دور و دراز دنیوی چشم پوشیده و اعمالشان را برای خدا خالص کرده اند و هیچ سخنی و عملی نتواند در نیت پاکشان خللی وارد کند؛ وگرنه کسانی که در عدالت مجتسم و حقانیت برگزیده خدا و رسول هم شک کرده و می کنند بهتر است که به همراه خواب روح و قلبشان، چشمانشان را نیز به خاک بسپارند.

نماز هر چند که یک سلسله اعمال است که انسان موظف است آنها را به جا آورد و ترتیب و موالات را رعایت کند و چیزی کم یا زیاد نکند ولیکن جان نماز ایمان و یقینی است که در دل انسان با ایمان قرار دارد و او را به انجام این اعمال وا می دارد و یقین و اطمینانی که در حرکات و سکنات نمازگزار متجلی می گردد، به

۱- نهج البلاغه، حکمت ۹۷.

۲- شرح غرر و دُرر آمدی، ج ۶، ص ۲۵۲.

این عبادت شکل و معنی می دهد. به عبارت دیگر، نماز توأم با شناخت، درک، شعور و فهم، دارای ارزش است و بدون آن کالبد بی روحی است که بهائی ندارد. همین است که گفته می شود اگر انسان شب بخوابد و نماز شب نخواند اما دلش آکنده از یقین و شناخت و معرفت باشد، بهتر از کسی است که شب تا سحر بیدار بماند و نماز بخواند لیکن فهم و شعور و شناخت و آگاهی نداشته باشد و فردی متحجر و بی معرفت باشد همچون خوارج.

حضرت برای خوارج روشن فرمود که اینان که امام خود را نشناخته و در یکی از ارکان دین تردید دارند، نماز شب و قرآن خواندنشان بی نتیجه است.

اگر نماز با معرفت و یقین باشد، به اقتضای درجه معرفت و یقین، نمازگزار حلاوت و شیرینی نماز را درک می کند و تحت هیچ شرایطی دست از عشقبازی با آن نمی کشد، اگرچه بدنش آماج تیر شود. لازم به ذکر است که از ابتدای سخن امیرالمؤمنین، حضرت علی - علیه السلام - معلوم می شود که منظور از «نماز با شک» نماز استحبابی و نماز شب است؛ زیرا نماز واجب در هیچ حالتی ساقط نمی شود، مگر این که بگوییم امام - علیه السلام - در صدد بیان این مطلب است که نماز بدون ولایت نماز نیست، نه این که اصلاً نماز نخواند.

قدرشناسان نماز

«وَقَدْ عَرَفَ حَقَّهَا رَجَالٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ لَا تَشْغَلُهُمْ عَنْهَا زِينَةُ مَتَاعٍ، وَ

قُرَّةُ عَيْنٍ مِنْ وَلَدٍ وَلَا مَالٍ يَقُولُ اللَّهُ شَبَّحَانَهُ ﴿رَجَالٌ لَا تَلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا

بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ.﴾<sup>۱</sup>

«قدر و اهمتیت نماز را مردانی از مؤمنان می دانند که زینت کالای دنیا و

فرزند و مالی که نور چشم انسان است آنها را به خود مشغول نمی دارد،

چنان که خداوند سبحان می فرماید: «مردانی هستند که تجارت و داد و

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹.

۲- سوره نور (۲۴) آیه ۳۷.



ستد دنیا، آنها را از یاد خدا و اقامه نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد.

بسیاری از مردم برای به دست آوردن مال دنیا و حتی رسیدگی بیش از حد به فرزندان و خانواده، نمازهای واجب خود را سست می‌خوانند و چه بسا نمازشان را تعطیل می‌کنند. این گونه افراد فکر می‌کنند که با اعمال این روش‌ها می‌توانند بر مال خود بیفزایند؛ غافل از این که رزق و روزی به دست توانای خداست، و حرص زدن و جان‌کندن نه تنها چیزی به آن مقدار نمی‌افزاید، بلکه ممکن است چیزی هم بکاهد.

امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - در این باره فرمود:

«لَا يَتْرُكُ النَّاسُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ لِاسْتِضْلَاحِ دُنْيَاهُمْ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُوَ أَضْرُّ مِنْهُ»<sup>۱</sup>

«مردم چیزی از کار دینشان | چون نماز | را برای به دست آوردن سود دنیا از دست نمی‌دهند، مگر آن که خدا به روی آنها چیزی را می‌گشاید که زیانش بیشتر است از آن سودی که به دست آورده‌اند.»

امام علی - علیه السلام - آن کسی که از همه چیز دنیا به یک لباس ساده و کفش وصله‌دار و نان جوین و نمک قناعت کرده بود، به خلاف انسانهای دنیاطلب و مال پرست، مؤمنان را انسانهای پاک و ذاکری معرفی می‌کند که حتی فرزند هم که نور چشم او در دنیاست، وی را از نماز باز نمی‌دارد، و در واقع به فرستاده خدا تمسک کرده و نور چشم خویش را نماز می‌داند. از این رو، کلام علی - علیه السلام - اشاره دارد به قول پیامبر - صلی الله علیه و آله - که فرمود: «قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ»<sup>۲</sup> «روشنایی چشم من در نماز است.»

امام حسین - علیه السلام - در شب عاشورا به برادرش عباس فرمود:

«اگر بتوانی امروز اینان را از جنگ منصرف کنی، این کار را بکن. شاید امشب را در پیشگاه الهی به نماز بایستیم.»

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۰۳.

«فَبِئْتَهُ يَعْلَمُ أَنِّي أَحِبُّ الصَّلَاةَ لَهُ وَ تِلَاوَةَ كِتَابِهِ»<sup>۱</sup>

«زیرا خدا می‌داند که من نماز خواندن و قرآن تلاوت کردن برای او را دوست می‌دارم.»

### نماز و عبادت احرار

«إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَبِتِلْكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ زُهْبَةً فَبِتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَبِتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ»<sup>۲</sup>.

«گروهی خدا را به انگیزه ثواب و پاداش می‌پرستند، این عبادت تاجران و بازرگانان است؛ و گروهی خدا را از روی ترس می‌پرستند، این عبادت غلامان و برده صفتان است؛ و گروهی خدا را از روی سپاسگزاری می‌پرستند، این عبادت آزادگان است.»

حقیقت عبادت، تعظیم و طاعت خدا و چشم‌پوشی از غیر اوست و پیشتر گفته شد که برجسته‌ترین مظهر عبادت، «نماز» است، از این رو، این تقسیم مراتب، به واقع بیان مراتب و مدارج نماز و نمازگزاران است.

خداوند متعال بندگان گوناگونی دارد که هر یک از آنها ذات اقدسش را در حد توان فکری خویش عبادت می‌کنند و به درگاهش نماز می‌گزارند و خداوند نیز از این بندگان به مقدار ارزش عبادتشان قدردانی می‌کند، هر مقدار که شناخت و معرفت عبادت‌کننده و نمازگزار بیشتر و بالاتر باشد، پاداش بهتر و مقامی والاتر نزد خدا دارا خواهد بود. از این رو، رهبران دینی به درگاه ربوبی، ناله و عرض نیاز می‌کردند و بسیار نماز می‌خواندند.

ابن ابی الحدید در مقدمه شرح نهج البلاغه اش می‌گوید: «عبادت علی - علیه السلام - بیشتر از عبادت همه کس بود؛ زیرا او بیشتر روزها روزه‌دار بود و تمام شبها مشغول نماز، حتی هنگام جنگ نیز نمازش ترک نمی‌شد، او عالمی بود با عمل که نوافل و

۱- لیهوف، سید بن طاووس، ترجمه فهری، ص ۸۹.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹.

ادعیه و تهجد را به مردم آموخت. از این رو در مقام عمل به پیشگاه خدای تعالی عرض می‌کند: «خدایا من تو را به طمع بهشت و یا از ترس جهنم عبادت نمی‌کنم، بلکه تو را بدان جهت می‌پرستم که شایسته پرستش یافتم.»

آری، هر کس در حقیقت به قدر معرفت و تلاش خود از لذت نماز بهره‌مند می‌شود. عده‌ای «نماز تاجرانه» می‌خوانند؛ یعنی می‌خواهند با خدا تجارت کنند، چیزی بدهند و چیز بیشتری بگیرند. عده‌ای «نماز غلامانه» می‌خوانند، مثل عمل غلامان و بردگان است که در زیر شلاق اربابها قرار می‌گیرند، در حالی که به آنها تکلیف می‌کنند و آنان از ترس این که اگر تکلیف را انجام ندهند شلاق می‌خورند، تکلیف را انجام می‌دهند، اما بعضی «نماز سپاسگزارانه و آزادانه» می‌خوانند؛ یعنی خدا را فقط برای خودش و به این دلیل که دوست دارند، از روی عشق و علاقه به ذات مقدسش پرستش می‌کنند. پس از توضیح ذکر شده معلوم می‌شود که برترین و عالی‌ترین عبادت، عبادت آزادگان و نماز از روی سپاسگزاری است. چنان که امیرالمؤمنین، علی - علیه السلام - می‌فرماید:

«لَوْ لَمْ يَتَوَعَّدِ اللَّهُ عَلَى مَعْصِيَتِهِ لَكَانَ يَجِبُ أَلَّا يُعْصَى شُكْرًا لِنِعْمِهِ»<sup>۱</sup>

به فرض که خداوند کیفری برای نافرمانی معین نکرده بود، باز سپاسگزاری ایجاب می‌کرد که از فرمانش تمرد نشود.

نماز، بزرگترین روزه امید

نقل شده است که روزی علی - علیه السلام - رو به مردم کرد و فرمود: «به نظر شما امیدبخش‌ترین آیه قرآن کدام آیه است؟»

بعضی گفتند: آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾<sup>۲</sup>

«خداوند هرگز شرک را نمی‌بخشد و پایین‌تر از آن را برای هر کس که بخواهد می‌بخشد.»

می‌بخشد.»

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۸۲.

۲- سوره نساء، (۱) آیه ۱۱۶.

امام علی علیه‌السلام فرمودند «خوب است، ولی آنچه من می‌خواهم این نیست.»

بعضی گفتند: آیه ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾<sup>۱</sup>

«هر کس عمل زشتی انجام دهد یا بر خویشتن ستم کند و سپس از خدا آمرزش بخواهد، خدا را غفور و رحیم خواهد یافت.»

امام فرمود: «خوب است ولی آنچه می‌خواهم این نیست.»

بعضی دیگر گفتند: آیه ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ اسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ﴾<sup>۲</sup>

«ای بندگان من که بر خویشتن اسراف کرده‌اید از رحمت خدا مأیوس نشوید.»

امام فرمود: خوب است اما آنچه من می‌خواهم این نیست.

بعضی دیگر گفتند: آیه ﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ إِلَّا اللَّهُ﴾<sup>۳</sup>

«پرهیزکاران کسانی هستند که هنگامی که کار زشتی انجام می‌دهند یا به خود ستم می‌کنند به یاد خدا می‌افتند و از گناهان خویش آمرزش می‌طلبند و چه کسی است جز خدا که گناهان را ببامرزد.»

باز امام فرمود: خوب است ولی آنچه می‌خواهم این نیست.

در این هنگام مردم از هر طرف به سوی امام متوجه شدند و همه‌همه کردند، امام فرمود: ای مسلمانان چه خبر است؟ عرض کردند: به خدا سوگند ما آیه دیگری در این زمینه سراغ نداریم، امام فرمود: از حبیب خود رسول خدا شنیدم که فرمود: امید بخش‌ترین آیه قرآن این است:

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْخَيْرَاتِ يَذْهَبْنَ

۱- همان آیه ۱۱۰.

۲- سوره زمر (۳۹) آیه ۵۳.

۳- سوره آل عمران (۳) آیه ۱۳۵.

### التَّيْنَاتِ ذَلِكَ ذِكْرٌ لِلذَّاكِرِينَ ﴿١﴾

«نماز را در دو طرف روز به پا دارید و نیز در ساعت اوایل شب، که البته خوبیه، بیدیا را از بین می‌برد، که این یادآوری است برای اهل ذکر.»

چه امیدی از این بیشتر که انسان بداند هرگاه پای او بلغزد و یا هوا و هوس بر او چیره شود و بدون این که عمد و اصراری داشته باشد، بایش به گناه کشیده شود، هنگامی که وقت نماز فرا رسید، وضو بگیرد و در پیشگاه حضرت الوهیت به راز و نیاز برخیزد و احساس شرمساری که از لوازم بنیادی توجه به خداست، نسبت به اعمال گذشته به او دست دهد، گناه او بخشوده می‌شود و تاریکی از قلب او رخت بر می‌بندد. آری! گناه و انحراف، دل را تیره و بصیرت باطن را ضعیف می‌سازد و پرده‌های غفلت و بی‌خبری بر جان سایه می‌افکنند و نماز که یاد خدا و احیای فطرت الهی است، نور و روشنی می‌آورد و با امواج معنوی تطهیرکننده خود آثار گذشته را می‌زداید و محو می‌کند.

### اهمیت نماز اول وقت

«صَلِّ السَّلْوةَ لِيُوقِتَهَا السُّوْقَاتُ لَهَا وَ لَا تُعْجَلْ وَقْتُهَا بِفِرَاعٍ وَ لَا تُؤَخَّرْهَا عَنْ وَقْتُهَا لِاسْتِفَالٍ»<sup>۲</sup>

«نماز را در وقت معین آن بخوان و برای این که بعداً راحت باشی، پیش از وقت [فضیلت] آن را به جا نیاور و به بهانه کار داشتن، آن را به تأخیر مینداز.»

از آن جایی که نمازهای یومیّه بلکه تمامی فرایض الهی، اوقات معین و مشخصی دارند، نمازگزار با رعایت اوقات نماز آرام، آرام با انضباط و وقت‌شناس می‌شود. نماز «تمرین وقت‌شناسی» است؛ چه این که واجبات دلخواهی نیست که هر وقت و بی‌وقت انجام شود، بلکه باید سر موعد مقرر صورت گیرد، نه زودتر و نه

۱- سوره بقره (۱۱) آیه ۱۱۲.

۲- نهج البلاغه، نامه ۲۲.

دیرتر. انسان نمازگزار باید نمازش را در اوقات معین بخواند تا اگر هم نواقصی دارد، خداوند با نماز نیکانش قبول کند.

استاد شهید مطهری در این باره نوشته است: مسئله مهم دیگری که در باب نماز مورد توجه واقع شده، دقت زیاد نسبت به مسئله وقت است، به طوری که دقیقاً روی دقیقه و ثانیه آن حساب می‌شود.<sup>۱</sup> مسائل تربیتی باید تحت انضباط و شرایط معین قرار گیرد تا عده‌ای آن را به فراموشی نسپارند و بهانه‌ای برای ترک آن نداشته باشند و به خصوص این که انجام عبادات مثل نماز اگر به صورت دسته جمعی و در وقت معین خود باشد، دارای شکوه، تأثیر و عظمت خاصی است که قابل انکار نیست و در حقیقت، کلاس بزرگ انسان‌سازی است.

درباره فضیلت خواندن نماز در وقت آن و عقوبت تأخیر انداختن در ادای آن، روایات بسیاری وارد شده است، به عنوان نمونه، نوشته‌اند که حضرت امام رضا - علیه السلام - برای استقبال از عده‌ای از اقوام خود، از خانه و شهر خارج شد. در بین راه وقت نماز شد. حضرت به کناری رفت و ایستاد و به یکی از همراهان خود فرمود: «آذان بگو تا نماز بخوانیم!»

عرض کرد: ما در انتظار میهمانان خود هستیم و نماز را بعد خواهیم خواند. حضرت فرمود: «خدایت بیامرزد! هیچ گاه بدون عذر، نماز را از اول وقت به تأخیر مینداز و همیشه نماز را در اول وقت آن به جای آور! سپس به نماز ایستادند.»<sup>۲</sup>

امام علی - علیه السلام - درباره اوقات شرعی نمازها به یکی از حاکمان شهرها نوشت:

«أَمَّا بَعْدُ فَعَلُوا بِالنَّاسِ الظُّهْرَ حَتَّى تَفِيءَ الشَّمْسُ مَرْبِضَ العَمْرَى؛ وَ صَلُّوا بِهِمُ العَصْرَ وَ الشَّمْسُ بِيضَاءَ حَيْةٍ فِي ضَوْءِ مِنَ النَّهَارِ حِينَ يُسَارُ فِيهَا فَرَسَانِ وَ صَلُّوا بِهِمُ المَغْرِبَ حِينَ يُفَطِّرُ الضَّائِمُ وَ يَدْفَعُ الخَاجُ إِلَى مِنَى وَ صَلُّوا بِهِمُ

۱- تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۹۲.

۲- بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۲۱.

المساء حين يتوارى الشفق إلى ثلث الليل و صلُّوا بهم الغداة و الرجل يعرف وجه صاحبه.<sup>۱</sup>

«نماز ظهر را به جماعت هنگامی به پا دار بد که سایه آفتاب به اندازة دیوار خوابگاه بزی برگردد و نماز عصر را با آنان هنگامی بخوانید که خورشید در پاره‌ای از روز روشن و درخشان است و می‌توان تا هنگام مغرب، پیاده دو فرسخ راه را پیمود و نماز مغرب را با آنان هنگامی به جا آورید که روزه‌دار افطار می‌کند و حاجی به مینای روانه می‌شود و نماز عشا را با آنها زمانی بخوانید که ثلثی از شب گذشته و سرخی پنهان می‌گردد و نماز صبح را با آنها هنگامی به پا دارید که شخص، چهره رفیق و همراه خود را بشناسد.»

طبق سخن امیرالمؤمنین، علی - علیه السلام - نماز در رأس همه امور قرار دارد، هر چند که آن امور هم رتق و فتق کارها و اصلاح امور مردم و رسیدگی به مشکلات آنان که از اهم امور و موجب رضا و خشنودی خداست، باشد به عنوان نمونه، می‌توان دو نوع از برنامه‌ریزیها و عملکردهای مولا علی - علیه السلام - را در این باره به نام‌های: «نماز امانتی بزرگ» و «بخشنامه برای نماز اول وقت» نام برد.

#### بخشنامه برای نماز اول وقت

امام علی - علیه السلام - پس از آن که محمد بن ابی بکر را برای فرمانداری مصر انتخاب کرد، دستورالعملی برای به نماز اول وقت به او نوشت:

«صَلِّ الصَّلَاةَ لَوْ قَتَلَتْهَا، الْمُؤَقَّتْ لَهَا ... وَاعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ.»

«نماز را در وقت اختصاصی خودش بخوان (اول وقت) و چون که بیکار شده‌ای و برای این که بعدا راحت باشی آن را از وقت (فضیلت) خود جلوتر نینداز. در انجام نماز شتاب نکن، یا چون به کاری مشغول هستی آن را

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۲.

تأخیر مینداز و بدان که تمام اعمال تو در گرو قبولی نماز توست.<sup>۱</sup>

امام علی - علیه السلام - در نامه ۵۲ نهج البلاغه نیز برای همه استانداران و فرمانداران جهت تعیین اوقات نماز بخشنامه فرستاد.

از امام علی - علیه السلام - در مورد اهمیّت نماز اول وقت و برکت‌های آن احادیث بسیاری ذکر شده است. برای نمونه حضرت از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - نقل کرد: «بنده‌ای نیست که به اوقات نماز و طلوع و غروب خورشید اهمیتی بدهد مگر این که من ضامن می‌شوم برای او راحتی هنگام مرگ و برطرف شدن غم و اندوه و نجات از آتش دوزخ را.»

#### متابعت سایر اعمال از نماز:

هنگامی که حضرت علی - علیه السلام - محمد بن ابی بکر را به حکومت مصر منصوب کرد، ضمن نامه‌ای، سفارش‌های زیادی به او فرمود که قسمتی از آن چنین است:

«... وَ لَا تَسْخَطِ اللَّهُ بِرِضَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ، فَإِنَّ فِي اللَّهِ خَلْقًا مِنْ غَيْرِهِ وَ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ خَلْفٌ فِي غَيْرِهِ صَلَّى الصَّلَاةَ لَوْ قَتَلَتْهَا لَهَا وَ لَا تُفْجَلْ وَقْتَهَا لِغَرَاغٍ وَ لَا تُؤَخَّرْهَا عَنْ إِشْتِغَالٍ وَاعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ...»<sup>۲</sup>

«... هرگز خداوند را برای رضایت احدی از مخلوقش به خشم نیاور؛ چرا که خداوند جای همه کس را می‌گیرد و کسی نمی‌تواند جای خداوند را بگیرد. نماز را در اوقات خودش به جای آر، نه آن که به هنگام بیکاری در انجامش تعجیل کنی و به هنگام اشتغال به کار آن را به تأخیر اندازی و بدان که تمام اعمال تابع نمازت خواهند بود...»

نماز، کامل‌ترین حلقه پیوند انسان با خداوند است. باید مواظب بود که

۱- نهج البلاغه، نامه ۲۷.

۲- نهج البلاغه، نامه ۲۷.

اشتغال به کارهای دنیا و یا کسب رضایت خلق، انسان را از آن غافل نکند و در برقراری آن سستی به خرج ندهد. خشم و محبت انسانها، همچون خودشان فانی است، اما خشم خداوند، چون خودش جاودانی است. پس می باید مواظب بود تا آن را برای خود نخریم.

نماز، ذکر خدا و یاد اوست و اوقات معینی دارد و پاس داشتن این اوقات از نشانه های نماز کامل و مایه کسب رضایت و محبت خداست. پس مبادا فراغت، ما را به تعجیل در ادای آن وادار کند یا مشغله ها از اقامه آن در وقتش باز دارد؛ زیرا همه اعمال تابع نماز است؛ اگر نماز قبول شد، اعمال نیز قبول می شود و اگر پذیرفته نشد، اعمال دیگر نیز مردود است. با کمی دقت در این کلام امیرالمؤمنین - علیه السلام - که فرمود: «بدان که هر عملی از اعمال تو تابع نماز است»، معلوم می شود که آن حضرت در اینجا به سخن رسول خدا - صلی الله علیه و آله - نظر داشته است که فرمود:

«اولین عملی که در مقام حساب می آورند، نماز است. اگر نماز قبول شد، سایر اعمال هم قبول می شود؛ و اگر پذیرفته نشد، سایر اعمال هم پذیرفته نمی شود و مردود خواهند بود.»<sup>۱</sup>

ممکن است این سخن دلیلش آن باشد که نماز، رمز ارتباط خلق و خالق است؛ اگر به طرز صحیح انجام گیرد، قصد قربت و اخلاص که وسیله قبولی سایر اعمال است، در او زنده می شود؛ و گرنه بقیه اعمال آن آلوده، و از درجه اعتبار ساقط می شود. از این رو حضرت امیر - علیه السلام - به این مسئله اشاره کردند که قبولی اعمال به قبولی نماز است. ملاک قبولی اعمال، نماز مقبول و عامل مردودی سایر اعمال، نماز مردود است.

پس همان طور که قبولی اعمال به قبولی نماز است، نماز نیز با وجود شرایط و عواملی قبول خواهد شد و آن زمانی است که اعمال انسان نمازگزار درست و

۱ - وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۲، ص ۲۲.

مطابق با شرع باشد و آن را سبک نشمارد.

در حدیث قدسی وارد شده است: «من نماز هر نمازگزاری را قبول نمی کنم، بلکه نمازی را قبول می کنم که برای عظمت من فروتنی کند، و بر بندگان من بزرگی ننماید، و فقیر گرسنه را برای کسب رضایت من سیر کند.»<sup>۱</sup>

علاوه بر این، مهمترین عامل قبولی نماز، حضور قلب است؛ زیرا خداوند می فرماید: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾<sup>۲</sup>: «نماز به یادار به خاطر یاد من.»

امام باقر - علیه السلام - فرمود:

«نماز بنده گاهی نصف و گاهی ثلث و گاهی ربع و گاهی خمس آن بالا می رود، و بالا نمی رود مگر آنچه دل او رو به آن کند، و امر به نمازهای نافله برای این است که آنچه از فریضه - به علت عدم حضور قلب - کاسته اند برای آنان تمام کند.»<sup>۳</sup>

نماز دارای روح و پیکری است. پیکره نماز عبارت از اعمال و افکار است و روح آن توجه کامل به خداوند و حضور قلب است. لازم به ذکر است که چون اعمال و افعال انسان از عقیده وی سرچشمه می گیرد، باید به چگونگی نماز او توجه کرد که آیا بقیه اعمال او متناسب با نمازش هست؟ و آیا او را از گناه باز می دارد یا خیر؟ نماز مقبول که در واقع نشانگر قبولی اعمال انسان است، به قدری دارای ارزش است که در تعبیر مولای موحدان، حضرت علی - علیه السلام - عید مسلمان نمازگزار محسوب می شود:

«بِأَمَّا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبِلَ اللَّهَ صِيَامَهُ وَ شَكَرَ قِيَامَهُ.»<sup>۴</sup>

«همانا امروز برای کسی عید است که خداوند روزهاش را قبول کرده و قیام و نمازش را سپاس گذاشته و پاداش داده است.»

۱ - جامع التعدادات، ج ۳، ص ۴۰۸.

۲ - سوره طه (۲۰) آیه ۱۴.

۳ - جامع التعدادات، ج ۳، ص ۴۰۸.

۴ - نهج البلاغه، حکمت ۴۲۰.

امام علی علیه السلام ... در کلام دیگری به ارزش نماز برای قبولی اعمال دیگر اشاره فرموده‌اند:

«سِتُّ مِنْ قَوَاعِدِ الدِّينِ... وَاقَامَةُ الصَّلَاةِ»<sup>۱</sup>

«شش چیز از ستون‌های دین است... از جمله برپا داشتن نماز.»

بدیهی است که هر چیزی قاعده و ستونی دارد که با نبودنش آن شیء نیز نابود می‌شود. از جمله مسائل مهم در اسلام این است که نماز هم ستون دین و هم «لاک حقیقی برای ارزش و اعتبار اعمال دیگر است.»

گناه زدایی نماز:

«وَإِنَّمَا لَتُخْتَذَ الذَّنُوبُ حَتَّى الْوَرَقِ»<sup>۲</sup>

«نماز، گناهان را مانند ریزش برگ درختان فرو می‌ریزد.»

همان طور که جسم گاهی بر اثر آلودگی نیاز به نظافت و تمیزی دارد، روح و روان نیز بر اثر گناهان و خطاها آلوده و مکدر می‌شود و نیاز به شست و شو و رفع کدورت دارد. از دیدگاه امام علی - علیه السلام - نماز یکی از مؤثرترین عوامل وارستگی‌ها و شست و شوی گناهان و رفع و دفع بلیدیه‌های روحی است؛ زیرا خواه ناخواه نماز، انسان را به توبه و اصلاح گذشته دعوت می‌کند. خداوند متعال نیز در قرآن کریم حسنات را عامل از بین برندهٔ سیئات معرفی می‌کند و نماز یکی از مهم‌ترین و برترین حسنات است.

«أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ، إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ

السَّيِّئَاتِ»<sup>۳</sup>

«نماز را در دو طرف روز و ساعت‌هایی از شب به پا دار، همانا حسنات

گناهان را از بین می‌برد.»

۱- شرح غُرر الحکم، ج ۲، ص ۱۶۶.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰.

۳- سورهٔ حد (۱۱) آیه ۱۱۲.

ابوعثمان می‌گوید:

من با سلمان زیر درختی نشسته بودم، او شاخهٔ خشکی را گرفت و تکان داد تا تمام برگهایش فرو ریخت، سپس رو به من کرد و گفت: سؤال نکردی چرا این کار را کردم؟ گفتم: بگو، بدانم منظورت چه بود؟ گفت: این همان کاری بود که پیامبر - صلی الله علیه و آله - انجام داد، هنگامی که در محضر مبارک ایشان زیر درختی نشسته بودیم، سپس پیامبر همین سؤال را از من کرد. بعد از این که با تکان دادن شاخهٔ خشک، تمام برگهای درخت فرو ریخت. من عرض کردم: بفرمایید چرا؟ فرمود: هنگامی که مسلمانی وضو بگیرد و خوب وضو بگیرد، سپس نمازهای پنجگانه را به جای آورد، گناهان او فرو می‌ریزد، همان گونه که برگهای درخت فرو ریخت. سپس همان آیهٔ ۱۱۴ سورهٔ هود را که قبلاً ذکر شد، تلاوت کرد.<sup>۱</sup>

از دیدگاه امیرالمؤمنین - علیه السلام - نماز عامل وارستگی‌ها و دوری از گناه و موجب زوال آثار گناهان و سبب از بین رفتن بلیدیه‌ها و اثرات سوء روحی و اخلاقی است. امام علی - علیه السلام - در نهج البلاغه نماز را همانند گسستن طناب پوسیده‌ای دانسته است که رشته‌های معاصی را متلاشی ساخته و از بین می‌برد.<sup>۲</sup>

چنان که برگ ریزد از درختان نماز آن گونه می‌ریزد گناهان به هر حال، هر گاه نماز با شرایطش انجام شود، و به عبارتی، نماز قلبی اقامه شود نه نماز لفظی و فقط قالبی، انسان را در عالمی از معنویت فرو می‌برد که پیوندهای ایمانی او را با خدا چنان مستحکم می‌سازد که آلودگی‌ها و آثار گناه را از دل و جان او شست و شو می‌دهد. نماز، انسان را در برابر گناه بیمه می‌کند و زنگار گناه را از آینه دل او می‌زداید.

امیرالمؤمنین، امام علی - علیه السلام - در این باره فرمود:

«تَعَاهِدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ وَحَافِظُوا عَلَيْهَا وَاسْتَكْبِرُوا مِنْهَا وَتَقَرَّبُوا بِهَا، فَإِنَّهَا

۱- تفسیر مجمع البیان، ابن‌الاسلام طبرسی، ص ۳۰۷.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰.

كانت على المؤمنین كتاباً مؤقوتاً ألا تسمعون إلى جواب أهل النار حين سئلوا: «ما سلككم في سقر؟ قالوا: لم نك من المصلین و انہما لتخضع الذنوب حتّ الورق و تطلقها إطلاق الرّيق و شبّہا رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم بالخمّة تكون علی باب الرّجل فهو یفتسبّل منها فی الیوم و اللیلۃ خمس مرّات فما عسی أن ینقی علیہ من الذّرّن»<sup>۱</sup>

«نماز را به یادارید و محافظت آن را بر عهده گیرید. زیاد به آن توجه کنید و فراوان نماز بخوانید و به وسیله آن به خدا تقرب جوید؛ زیرا نماز به عنوان فریضه واجب در وقت‌های مختلف شبانه روز بر مؤمنان مقرر شده است؛ مگر به پاسخ دوزخیان در برابر این پرسش که چه چیز شما را به دوزخ کشانیده است گوش فرا ندادند؛ می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم... نماز گناهان را همچون برگ‌های پاییزی می‌ریزد و غسل و زنجیرهای گناهان را از گردن‌ها می‌گشاید. پیامبر نماز را به چشمه آب گرمی که در خانه کسی باشد و شبانه روزی پنج بار خود را در آن شست و شو دهد تشبیه کرده است که بدون تردید چرک و آلودگی در بدن چنین کسی باقی نخواهد ماند...»

ولی باید توجه داشت که خواندن نماز به هر صورتی نمی‌تواند شخص نمازگزار را از چنین تأثیر و تحوّل روحی برخوردار کند و لازم است بدانند که چگونه نماز به جا می‌آورد و چه مقدار از آن بهره گرفته است؛ بنگرد که آیا نماز او را از کارهای زشت و ناپسند بازداشته است یا خیر؟ هنگامی که نماز با حضور قلب و شرایط لازم دیگرش برگزار شود، مصداق کامل حسنه است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است. به طوری که انسان می‌فهمد که باید درون را از گناهان و آلودگیها بزدايد تا نمازش قرّة العین شود. در حکمت‌های نهج البلاغه در باره تأثیر و نقش نماز در شست و شوی

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰، الدلیل إلى موضوعات نهج البلاغه، ص ۳۳۴، موضوع ۲۷.

گناهان و آرامش و امیدواری نسبت به فضل و رحمت الهی آمده است:

«ما أهنتی ذنبٌ أمهلّت بغدّه حتّی أصلی رکعتین و أسأل اللّٰه العافیة»<sup>۱</sup>

«اندوهگینم نکرد گناهی که در پی آن مهلت یافتم دو رکعت نماز گزارم و از

خدا اصلاح آن را بخواهم.»

حضرت با این عبارات رسا در مقام تبیین و تعلیم نقش و تأثیر شگفت‌انگیز نماز است.

ابن میثم در شرح این جمله نوشته است: «علت این که انسان نباید پس از خواندن دو رکعت نماز نسبت به گناهان اندوهگین باشد، این است که نماز پوشاننده گناهان است»<sup>۲</sup>.

کبر زدایی نماز

امام علی - علیه السلام - فرمود:

«فرض اللّٰه الصلوة تنزیهاً عن الکبر»<sup>۳</sup>

خداوند متعال نماز را به خاطر پاک شدن از کبر و وارستگی از پلیدی تکبّر

واجب فرموده است.

یکی از مهمترین فواید و آثار نماز، کبرزدایی است. کبر و خودپسندی بزرگترین صفت ردیله و به معنی خود بزرگ دیدن در برابر دیگران است. کبر بر دو قسم ظاهری و باطنی است که خوی باطنی را «کبر» و آثار ظاهری را «تکبر» می‌گویند. تمام صفات ردیله و خویهای زشت حیوانی و شهوانی و شیطانی از حالت کبر سرچشمه می‌گیرد. از این رو، برای جلوگیری از هر خو و صفت زشتی باید از پیدایش کبر جلوگیری کرد و راهش این است که پیوسته «بندگی» را از دست نداد. کبر نه تنها در جامعه متدین اسلامی بلکه در تمام ملل و ادیان بشری

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۹۹.

۲- شرح نهج البلاغه، ابن میثم، ج ۵، ص ۳۹۵.

۳- نهج البلاغه، حکمت ۱۴۴.

مورد نکوهش قرار گرفته است. انسان متکبر پلنگ صفت است و جز خود کسی را نمی بیند. از این رو، انتظار دارد همه کس در برابر او کرنش کند. و او خود به کسی اعتنا نکند. همه کس او را احترام و او به دیگران بی احترامی کند.

جای هیچ تردیدی نیست که سرچشمه تکبر، عقده حقارت است؛ چنان که امام صادق - علیه السلام - فرمود:

«ما من رجل تكبر أو تجبر إلا لذته وجدها في نفسه.»<sup>۱</sup>

«هیچ مردی تکبر و گردنکشی نکند، مگر برای حقارتی که در درون خود احساس می کند.»

از این رو، شخص متکبر در پی جبران حقارتی است که در درون خود احساس می کند.

انسان نمازگزار با بندگی به درگاه آن عزیز متکبر، درونش را سرشار از غرور بندگی، نماید و عزت دنیا و آخرت را کسب می کند. پس سرچشمه تکبر؛ یعنی عقده حقارت در نمازگزار حقیقی راهی ندارد و در نتیجه داعیه ای برای تکبر وی باقی نمی ماند.

بهترین راه مبارزه با تکبر و دفع و رفع خودبینی و خودپرستی، خداپرستی است؛ زیرا انسان با عبادت، پلنگ طبیعت را در برابر خدا به زمین می کوبد و خداوند متعال برای پاکیزه گردانیدن انسان از تکبر، نماز را برایشان فرض و واجب فرمود تا بر اثر مداومت بر آن و انجام دائمی آن در هر شب و روز به فروتنی عادت کنند و آن صفت زشت را از خود برهانند. ضمن این که نماز برای کسی که با دیده بصیرت به آن بپردازد، سبب رفع کبر و خودپسندی و نخوت نسبت به دیگران است.

مولا علی - علیه السلام - فرمود:

«وعن ذلك ما خرس الله عبادة المؤمنين بالصلوات والزكوات، ومجاهدة»

۱ اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۲.

الضیام فی الأيام المفروضات تسکیناً لأطرافهم و تخشياً لأبصارهم و تذليلاً لتفوسهم و تخفيفاً بقلوبهم وإذهاباً للخیلاء عنهم.»<sup>۱</sup>

«خدای بزرگ بندگان مؤمن خود را به وسیله نماز و زکات و کوشش در روزه گرفتن در روزهای واجب، حفظ می کند تا مایه آرامش اعضایشان شود و دیدگانشان خاشع شود و جانهایشان فروتن شود دلهایشان نرم شود و خیال خود بزرگ بینی و تکبر از آنها دور کند.»

نمازگزار وقتی در نماز، پیشانی خود را که بالاترین و شریفترین عضو از اعضای بدن است به روی خاک می گذارد، به عجز و ناتوانی خود و عظمت و کبریایی حضرت حق روز به روز بیشتر پی می برد و به واقع رمز و حقیقت سربلندی مؤمنان همین خاکساری به درگاه خداوند است. نماز، این شست و شوی روحی و شبنم با طراوت یاد خدا، چه زیبا و کامل زنگارهای نخوت را می زداید، غبار غرور را می شوید و بنده را به فروتنی وا می دارد. همچنین ناچیز بودنش را در برابر ذات بیکران کبریایی به خاطرش می آورد و با پستی جسمش روح او را متعالی می گرداند.

#### روانشناسی و نماز

در نیایش و دعا چون ارتباط روانی انسان با مرکز و مبدأ آفرینش است، باید روح دارای «شادابی و پذیرش» باشد؛ یعنی اگر بین روان آدمی و نیایش، تناسب وجود داشته باشد، نیایش جایگاه شایسته خود را خواهد داشت. آن گاه در جان آدمی اثر می گذارد، درمان می بخشد، روح را دگرگون می کند. شگفت آور آن که در چهارده قرن قبل، حضرت امام المتقین، مولا علی - علیه السلام - به ارتباط عمیق روانشناسی و نیایش توجه داشته و به روانشناسی نیایش از جمله نماز اشاره فرموده است:

۱ - نهج البلاغه، خطبه ۲۳۲، ص ۷۹۸ (ترجمه و شرح نبض الاسلام)؛ الدلیل إلى موضوعات نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۲۳۴، ص ۲۳۷.



«إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَاِدْبَارًا: فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمَلُوهَا عَلَى التَّوَافُلِ وَاِذَا ادْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ»<sup>۱</sup>  
 «دلها را روی آوردن و نشاط و پشت کردن و فراری است. پس آن گاه که نشاط دارند، آن را بر انجام مستحبات وادارید. و آن گاه که پشت کرده، بی نشاط شد، به انجام واجبات قناعت کنید.»

#### نماز نشانه تواضع

«لَمَا فِي ذَلِكَ مِنْ تَعْفِيرِ عِثَاقِ الْوُجُوهِ بِالتَّرَابِ تَوَاضَعًا، وَالتَّصَاقِ كِرَانِمِ الْجَوَارِحِ بِالْأَرْضِ تَضَاعُرًا»<sup>۲</sup>  
 «بندگان مؤمن هنگامی که نماز می خوانند، ساییدن گونه هایشان به خاک نشانه تواضع و گذاردن اعضای شریف بر زمین، دلیل کوچکی و اظهار حقارت است.»

همان طور که قبلاً گفته شد از آفات حیات بشری و از موانع بسیار مهم رشد معنوی و عقلانی انسان، کبر و نخوت است که ضد آن فروتنی است. نماز در حقیقت، تمرین تواضع و خشوع و خضوع است؛ زیرا نمازگزار در هر روز و شب چند مرتبه پیشانی بر خاک می ساید و کبریایی حضرت حق را که قدر مطلق از آن اوست، می ستاید، و ضمن متذکر شدن به عظمت خداوند، حقارت و کوچکی خویش را به خود تلقین می کند.

از آنجا که نماز عبارت است از توجه کسی که جز فقر و ذلت ندارد، به سوی درگاه عظمت کبریایی و منیع عزت؛ و لازمه چنین توجهی این است که نمازگزار مستغرق در خواری شود و، دلش را از هر چیزی که او را از هدفش باز می دارد، بر کند، پس اگر ایمان نمازگزار ایمانی صادق باشد، اشتغال به نماز او را از هر کار دیگری باز می دارد.

۱- نهج البلاغه حکمت ۱۲۳.  
 ۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۲۲.

اری تواضع، کشتزاری است که در آنجا درخت خضوع و خشوع و ترس و شرم می رود و تواضع حقیقی و بیّه آن انسانی است که برای خدا تواضع کند.  
 رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمودند:  
 «هیچ کس برای خدا تواضع نکرد، مگر این که خدا او را رفعت بخشید.»<sup>۱</sup>  
 انسان با عبادت نماز، می تواند خود را از آثار شوم خودبینی و نخوت گرایی دور سازد و خویشتن را از این ردایل پلید اخلاقی وارهاند.

#### نماز و جنگ

##### الف: نماز قبل از آغاز نبرد

امام علی - علیه السلام - قبل از آغاز نبرد با خوارج، از اردوگاه حروراء گذشت و در برابر خیمه یزیدبن قیس - یکی از رهبران صاحب نفوذ خوارج - قرار گرفت، پس پیاده شد و در آن صحرا دو رکعت نماز به جای آورد و سپس به نصیحت آنان پرداخت.<sup>۲</sup>

##### ب: نماز با اشاره در میدان جنگ

فرهنگ ارزشمند نماز آن قدر والا است که در هیچ شرایطی نمی توان از آن چشم پوشید.

در شب آخر نبرد سرنوشت ساز صفین (لیلة الهیریر) که از آغاز شب تا نیمه روز فردا مبارزه ادامه داشت، حضرت امیرالمؤمنین، علی - علیه السلام - و اصحاب او در حالی که جنگ می کردند و غرق در اسلحه بودند، نماز مغرب و عشاء و صبح را در حالت سواره و پیاده خواندند و رکوع و سجود را به صورت اشاره انجام دادند.<sup>۳</sup>

##### ج: نماز در میدان جنگ

امام علی - علیه السلام - همواره به نماز اول وقت توجه فراوان داشت و این اصل

۱- منحة الیضاء، ج ۶، ص ۲۱۹.  
 ۲- نهج البلاغه: شرح ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۱۷.  
 ۳- تاریخ طبری، ۱ - ۴، ص ۳۲.

ارزشمند را از یاد نمی‌برد. در یکی از روزهای نبرد صفین، در گرمای جنگ و کشتار، حضرت علی - علیه السلام - به خوردن شید نگر نیست و فرمود: «وقت نماز است.» آن گاه دست از جنگ کشید و در گوشه‌ای به نماز ایستاد، در حالی که انواع خطرهای او را تهدید می‌کرد و تیرهای فراوانی به سوی او پر می‌کشید. اما امام علی - علیه السلام - سرگرم نماز بود، گویا در خانه خود نماز می‌خواند. نماز اول که تمام شد، تیری به سوی حضرت آمد و سخت بر ران پایش فرو رفت، یاران حضرت با اضطراب پیرامون او را گرفتند، اما امام علی - علیه السلام - با همان حالت نماز دوم را خواند.<sup>۱</sup>

#### د: نماز پس از پیروزی در جنگ

پس از پیروزی در جنگ جمل، وقتی حضرت علی - علیه السلام - وارد شهر بصره شد، به مسجد جامع شهر بصره تشریف برده و دو رکعت نماز در آنجا خواند، سپس به سراغ کارهای مهم دیگر رفت.<sup>۲</sup>

#### ه: جنگ برای نماز

ابن عباس می‌گوید: در یکی از روزهای جنگ صفین، حضرت امیرالمؤمنین، علی - علیه السلام - را دیدم که به آسمان نگاه می‌کند. پرسیدم: یا امیرالمؤمنین! چرا به آسمان نگاه می‌کنید؟

امام علی - علیه السلام - فرمود: «نگاه می‌کنم که آیا ظهر شده و وقت نماز رسیده یا نه؟ که نماز بخوانم.»

گفتم: هم اکنون در جنگ قرار داریم.

حضرت فرمود:

«ما با شامیان بر سر اقامه نماز جنگ می‌کنیم: زیرا نماز اول وقت مهم

است، چرا خود در اول وقت نماز نخوانیم؟»<sup>۳</sup>

#### نماز در خانواده

«فكان يأمر بها أهله و يصبر عليها نفسه»<sup>۱</sup>

«پس رسول خدا - صلی الله علیه و آله - هم اهل خود را به نماز فرمان

می‌داد و هم خود شخصاً با شکیبایی آن را به انجام می‌رسانید.»

بهترین و سعادت‌مندانه‌ترین اجتماع بشری آن است که افراد صالح و شایسته و مردمی وظیفه‌شناس و مؤمن داشته باشد و این امر میسر نیست مگر با تربیت و پرورش صحیح کودکان و مهیا ساختن آنان برای آینده‌ای بهتر. اسلام دوره شروع تربیت کودک را از هنگام تولد، بلکه قبل از تولد، بلکه هنگام اراده ازدواج و پیوند زناشویی دانسته است. اسلام تا آن حد به مسئله تربیت اسلامی کودک اهمیت داده که آن را حق مسلم فرزند بر والدین می‌داند، چنان که امام سجّاد - علیه السلام - در رساله حقوق می‌فرماید:

«حق فرزندان به تو آن است که بدانی او پاره‌ای از وجود توست و نیک و بد او در این دنیا وابسته و منتسب به تو است. باید بدانی که تو در مقام سرپرستی او مسؤولی که او را با ادب و تربیت صحیح پرورش دهی، و او را به خدای یکتا راهنمایی کنی و در اطاعت و فرمانبرداری حضرت حق کمک و یاریش نمایی، پدری باش که به وظیفه خود آشنا و به مسؤولیت خود آگاه است. پدری که می‌داند اگر نسبت به فرزندش نیکی کند اجر و پاداش خواهد داشت؛ و اگر درباره او بدی کند، مستحق مجازات و کیفر خواهد بود.»<sup>۲</sup>

از این رو اولین مسؤولیت انسان بعد از خودش، خانواده اوست، ولی چون گاهی خانواده آدمی از خود سرسختی نشان می‌دهند، لازم است که درباره تعلیم واجبات و از جمله نماز استقامت کند و حتی دستور است که در بعضی شرایط

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰.

۲- مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۳۰۲.

۱- انوار نعمانیه، ص ۳۲۲؛ نقایش الأخبار، ص ۲۶۲.

۲- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۵۲۳.

۳- خصال، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۱۱.

کودک را در ترک آن تنبیه کند. چنان که رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمودند:

«مُرُوا صِبْيَانَكُمْ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ وَاضْرِبُوهُمْ عَلَىٰ تَرْكِهَا إِذَا بَلَغُوا تِسْعًا وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا عَشْرًا»<sup>۱</sup>

«فرزندان خود را در هفت سالگی به نماز دستور بدهید، و در نه سالگی اگر آن را ترک کردند کتکشان بزنید، و وقتی به ده سالگی رسیدند رختخوابهای آنان را از یکدیگر جدا کنید»<sup>۱</sup>

بنابراین، تعلیم نماز در آیات و روایات از وظایف مهم والدین است. آنان باید با تمسک به انبیا و اولیای الهی، در خانه خود محیطی پاک و پُر فضیلت و صمیمیت به وجود آورند. محیطی که در آن مهر و محبت، وظیفه‌شناسی و ادب، تقوا و سایر صفات پسندیده وجود داشته باشد و کودکان را به طور ناخودآگاه وظیفه‌شناس و متعهد بار آورند. آنان می‌توانند بهترین الگوی رفتاری برای فرزندانشان باشند.

به عنوان نمونه، علامه مجلسی در شرح حال امام رضا - علیه السلام - نقل می‌کند که در خانه ایشان، بانویی بود که دختران را برای نماز بیدار می‌کرد و او مسؤول این کار بود.

در نهج البلاغه آمده که رسول خدا - صلی الله علیه و آله - با این که، مزده بهشت را از سوی پروردگار سبحان دریافت داشته بود و بهشتی بودنش مسلم و قطعی بود با این حال خود را با نماز خسته می‌کرد؛ زیرا می‌خواست به فرمان خدا عمل کند که می‌فرماید:

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾<sup>۲</sup>

«خانواده‌ات را به نماز فرمان ده و خود بر انجام آن شکیبا باش.»

از این رو، پیامبر - صلی الله علیه و آله - دستور می‌داد که خانواده‌اش به طور

۱- سفینه البحار - ج ۲، ص ۲۵.

مرتب نماز بگذارند و خود هم شخصاً در نماز گزاردن، کوشا بود و سختی‌ها را در این راه تحمل می‌فرمود.<sup>۱</sup>

#### نماز جماعت

امیرالمؤمنین - علیه السلام - هنگام گماشتن مالک اشتر به ولایت مصر و شهرهای تابع آن، عهدنامه‌ای را خطاب به او به نگارش درآورد. آن حضرت در قسمتی از آن آورده‌است:

«... وَإِذَا أَقَمْتَ فِي صَلَوتِكَ لِلنَّاسِ فَلَا تَكُونَنَّ مُنْفَرًا وَلَا مُضْتَعِبًا فَإِنَّ فِي النَّاسِ مَنْ يَهِيَ الْعِلَّةَ وَلَهُ الْحَاجَةُ وَ قَدْ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صلی الله علیه و آله - حِينَ وَجَّهْتَنِي إِلَى الْيَمَنِ كَيْفَ أُصَلِّي بِهِمْ فَقَالَ: «صَلِّ بِهِمْ كَصَلَاةِ أَضْعَفِهِمْ وَ كُنْ بِالنُّومِئِينَ رَحِيمًا»<sup>۲</sup>

«... چون با مردمان نماز گزار می‌کنی چنان گزار که نه آنان را برهانی و نه نماز را ضایع گردانی. چه در میان مردم کسی است که بیمار است یا حاجتی دارد و گرفتار است. من از رسول خدا - صلی الله علیه و آله - آن گاه که مرا به یمن می‌فرستاد، پرسیدم: با مردم چگونه نماز گزارم؟ فرمود: در حد توانایی ناتوانان آنان نماز بگزار و بر مؤمنان رحمت آر.»

#### رعایت حال ضعیف‌ترها در نماز جماعت

«وَصَلُّوا بِهِمْ صَلَاةَ أَضْعَفِهِمْ وَلَا تَكُونُوا قَتَانِينَ»<sup>۳</sup>

«با مردم همانند نماز گزاردن ناتوانترین آنان نماز بخوانید. (و با طول دادن نماز، موجبات زحمت آنان را فراهم نکرده) و سبب فتنه و فساد نشوید.»

یکی از خصوصیات بارز و رازهای نماز جماعت این است، با آن که هر یک از

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳- نهج البلاغه، نامه ۵۲.

انسانها دارای صفت یا صفاتی از اوصاف نیکو و کمالات انسانی است، اما کسانی که نماز را به جماعت نمی خوانند به منزله یک انسان کامل اند که همواره مورد نزول برکات قرار می گیرند و لطف خاصی الهی شامل آن جمع می شود. اصولاً یکی از ثمرات اجتماع و جماعت برای این است که نماز گزار از بی نماز شناخته شود.

درباره کلام امام علی - علیه السلام - باید گفت همان طوری که رهبر جامعه اسلامی در نحوه زندگی مادی، باید مانند پایین ترین طبقات مردم زندگی کند تا از نظر روحی بر ضعیفان فشار نیآورد، از حیث معنوی و عبادی نیز لازم است حال افراد ضعیف تر رعایت شود و امام جماعت نباید نماز را طویلانی کند که سبب ناراحتی آنان شود. از این رو، امیرالمؤمنین - علیه السلام - در یک فرمان تاریخی که به مالک اشتر نخبی، والی مصر فرستاد، ضمن دستورهای حکومتی و یادآوری اخلاق کارگزاران، فرمود:

«هر گاه نمازت را با مردم به جا آوردی پس [به علت طولانی کردن نماز] مردم را از خود دور و رنجیده مکن و نماز را [به علت سرعت بی جهت] ضایع و تباه مگردان؛ زیرا در مردم، علیل و بیمار و حاجتمند هست. و من از رسول خدا - صلی الله علیه و آله - به هنگامی که مرا به سوی یمن روانه می کرد، پرسیدم: با آنان چگونه نماز گزارم؟ فرمود: با آنان همانند ناتوانترین مردم نماز گزار و نسبت به مؤمنان مهربان باش.»<sup>۱</sup>

سفارش به نماز جمعه

نماز اعم از این که فردی خوانده شود یا با جماعت، دارای آثار مختلف معنوی است و نماز جماعتی که مسلمانان از طبقات مختلف و اصناف متفاوت در یک صف در کنار هم قرار می گیرند و در پیشگاه خدا پیشانی بر خاک می نهند، دارای آثار اجتماعی چشمگیری است. در این میان نماز جمعه علاوه بر مزایای

۱ - بیح البلاغه، ج ۳، ص ۲۳

اجتماعی نماز جماعت، امتیازهای بیشتری همچون امتیازهای سیاسی در بر دارد که در پرتو نماز جمعه امکان ایجاد جامعه مدد در حد اسلامی و مقتدر بیشتر است، از این رو، امیرالمؤمنین در نامه خویش به حارث همدانی چنین نگاشته اند:

«و لا تسافر فی یوم جمعة حتی تشهد الصلوة الا فاصلا فی سبیل الله او فی امر تغذیه.»<sup>۱</sup>

«روز جمعه سفر مکن تا نماز جمعه را بگذاری، مگر سفری باشد که در آن روی به خدا داری یا از آن ناچاری.»

حضرت این گونه حارث را از مسافرت در روز جمعه، قبل از ندادن به وقت و اقامه نماز جمعه بر حذر داشته است، مگر این که از روی ناچاری باشد، یا این که سفری در راه خدا برای او باشد تا نقص دوری از یاد خدا، به جهت عدم شرکت در نماز جمعه را جبران کند.

این بخش از نامه امیرالمؤمنین - علیه السلام - به حارث نشانگر اهمیت و جایگاه رفیع و پر ارزش نماز جمعه در اسلام است.

امام صادق - علیه السلام - فرمود:

«هیچ قدمی نیست که در راه نماز جمعه برداشته شود، مگر آن که خدا بدن او را بر آتش حرام می سازد.»<sup>۲</sup>

نماز جمعه دارای برکات چشمگیر زیادی است، از جمله آگاهی بخشیدن به مردم در زمینه معارف اسلامی و رویدادهای مهم اجتماعی و سیاسی، ایجاد همبستگی و انسجام هر چه بیشتر در میان صفوف مسلمانان به گونه ای که دشمن را به وحشت افکند و یشت آنها را بلرزاند، تجدید روحیه دینی و نشاط معنوی برای توده مسلمان، جلب همکاری برای حل مشکلات عمومی، پذیرش اعمال، آموزش گناهان، قبولی ادعیه و...

در قرآن کریم نیز خداوند متعال مؤمنان را به برپایی نماز جمعه و دست

۱ - بیح البلاغه، نامه ۶۹  
 ۲ - وسائل الشعه، ج ۵، ص ۳

کسبیدن از کسب و کار و شرکت در نماز جمعه امر کرده است.<sup>۱</sup>

### ترک نماز موجب عذاب الهی

«أَلَا تَسْمَعُونَ أَلَى جَوَابِ أَهْلِ النَّارِ حِينَ سَبَلُوا: ﴿وَمَا سَلَكْتُمْ فِي سَفَرٍ﴾  
قَالُوا: لَمْ نَكُ مِنَ الْمُفْضِلِينَ.»<sup>۲</sup>

«آیا به پاسخ اهل دوزخ گوش فرا نمی‌دهید که وقتی از آنان سؤال می‌شود: «چه چیز شما را گرفتار دوزخ ساخت؟» گویند: ما از نمازگزاران نبودیم.»

نماز، یاد خدا و بالاترین ذکر اوست؛ نشانه ایمان، سیمای مکتب و ستون دین است. از این رو، ترک نماز از روی عمد از گناهان کبیره شمرده شده است و در بعضی روایات از تارک نماز بد عنوان «کافر» تعبیر شده است و مراد کسی است که از روی انکار نماز نخواند، اما اگر اعتقاد به خدا و رسول و ائمه طاهرين - سلام الله عليهم اجمعين داشته و به احکام الهی از جمله نماز معتقد باشد لیکن از روی مسامحه کاری یا عاملی دیگر نماز را ترک کند، چنین شخصی «فاسق» است.

توجه به این نکته لازم است که منشأ این تنبلی‌ها و سهل‌انگاری‌ها آلودگی انسان بدگناهان است، و گرنه قلبی که به حضرت حق معتقد باشد و ائمه به معصیت نباشد، هرگز نماز را ترک نمی‌کند؛ زیرا می‌داند که ترک نماز یعنی قطع رابطه با خدا، ترک نماز در عرض شرک بوده و با او برابر است: «نماز به یا دارید و از شرک آورندگان نباشید»<sup>۳</sup>

تارکان نماز را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

#### ۱- تارک نماز از روی انکار.

- ۱- تارک نماز از روی انکار (۱۵۲) آیه ۹ - ۱۰
- ۲- تارک نماز از روی غفله (خطبه) ۱۹۰
- ۳- تارک نماز از روی غفله (۱۷۲) آیه ۲۲ و ۲۳
- ۴- تارک نماز از روی غفله (۳۹۱) آیه ۳

۲- کسی که از روی سهل‌انگاری و بی‌اعتنایی تارک نماز است:

۳- تارک نماز در بعضی اوقات:

۴- تارک واجبی از واجبات نماز.

نماز نشانه ملیت اسلام است، اگر کسی عمداً آن را ترک کند، از اسلام خارج شده است و به یقین به آتش دوزخ الهی گرفتار خواهد آمد. امیرالمؤمنین - علیه السلام - فرمود:

«هیچ عملی به پیشگاه خداوند محبوب‌تر از نماز نیست. پس چیزی از امور دنیا، شما را از خواندن نماز اول وقت باز ندارد؛ زیرا خداوند متعال مذمت کرده قومی را که نسبت به نماز سهل‌انگاری کنند و فرموده است: وای بر آن نمازگزارانی که از نمازشان غفلت کنند و در انجام آن در اول وقت مسامحه ورزند و عمداً آن را به تأخیر اندازند.»<sup>۱</sup>

### سفرش اهل بیت به نماز

علی بن ابراهیم از امام باقر - علیه السلام - در باره فرموده‌ی خدای تعالی: «خانواده خود را به نماز امر کن و خود نیز سخت بر آن پایدار باش.» نقل می‌کند که حضرت فرمود: «در این آیه به پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمان داده است که به اهل بیته - و نه عموم - به طور ویژه دستور دهد تا به همه مردم اعلام شود که اهل بیت محمد - صلی الله علیه و آله - در نزد خدا منزلتی ویژه دارند که برای دیگر مردمان نیست؛ زیرا خدای سبحان به آنان جهت اقامه نماز هم فرمان عمومی داده، هم فرمان خصوصی. پس از نزول این آیه، پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و آله - هر روز، وقت نماز صبح به خانه علی - علیه السلام - می‌آمد و می‌فرمود: «سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد» پس اهل بیت - علیه السلام - یعنی علی - علیه السلام - فاطمه - علیها السلام - حسن و حسین - علیهما السلام - در پاسخ

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۲.

نیز اظهار می‌داشتند: «سلام و رحمت و برکات خدا! نیز بر شما باد ای پیامبر خدا.» پس حضرت دو طرف چهار چوبه در را گرفته و می‌فرمود: «نماز، نماز، خدا شما را رحمت کند، همانا خدا چنین می‌خواهد که هر گونه الودگی را از شما خاندان نبوت ببرد و شما را از هر ناخالصی پاک گرداند»

در کتاب «مودة القربی» از انس بن مالک و از زید بن علی بن الحسین - علیه السلام - و او از پدرش امام سجاد - علیه السلام - از جدش - علیه السلام - ماجرای بالا را نقل کرده است. امام حسین - علیه السلام - نیز به پیروی از جدش رسول خدا - صلی الله علیه و آله - این چنین اهل بیت خود را به نماز سفارش می‌کرد و در باب اهمّیت آن به آیه تطهیر اشاره کرده، می‌فرمود: ﴿أَنَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾<sup>۱</sup>.

#### اقدام اهل بیت به اقامه نماز

اهل بیت عصمت و طهارت - علیهم السلام - اقامه گران بی نظیر نماز بوده‌اند، آنان برای اقامه نماز حتی از جان خود و عزیزان خود در راه خدا گذشته‌اند.

در زیارت‌نامه امام حسین - علیه السلام - می‌خوانیم: «شهد أنك قد أقمّت الضلوة و آتیت الزکوة» گواهی می‌دهم که شما با شهادت نماز را بر پا داشتی و زکات دادی»

در زیارت مخصوص آن حضرت آمده است: سلام بر تو ای فرزند گرامی رسول خدا! گواهی می‌دهم که تو نماز را آن چنان که حقیقت آن است، به پا داشتی و زکات را پرداختی و به حق و حقیقت فراخواندی و از تباهی و ناپسندی‌ها نهمی کردی و قرآن را چنان که باید تلاوت کردی و در راه خدا چنان که شایسته بود، جهاد کردی.<sup>۲</sup>

آری! سرور آزادگان نماز را به صورت بی‌نظیری به پا داشت، آن گونه که مخصوص او بود و نه دیگری.

۱- آیه تطهیر، سوره احزاب (۳۲) آیه ۳۳.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۹۳.

سفارش و وصیت ایشان به اهل بیت در آخرین لحظات عمر شریف و هنگام شهادت، اقامه نماز اول وقت بوده است.

#### محافظت اهل بیت از نماز

نمازگزار در هر شرایطی چه در حالت عادی و یا خطر، از نماز باید محافظت کند، امام حسین - علیه السلام - و اصحابش از سنون دین به خوبی پاسداری کردند و در پایان، جان خود را فدای نماز کردند تا اسلام جاوید و باقی بماند.

نقل شده است که حضرت امام حسین - علیه السلام - پس از پایان نماز، اصحاب را به جهاد ترغیب کرد و سپس فرمود: «این بهشت است که دره‌هایش باز شده و جوی‌هایش متصل و میوه‌هایش رسیده و قصرهایش زینت شده است و حوریه‌هایش جمع شده‌اند و این رسول الله و شهدایی است که با او کشته شده‌اند و پدر و مادرم نیز هستند که انتظار قدم شما را دارند و شما را بشارت می‌دهند و آنان مشتاق شمایند. از دینتان حمایت کنید و از حرم رسول خدا و امامتان و پسر دختر پیامبرتان دفاع کنید؛ چرا که خدا شما را امتحان کرده است. شما در جوار جد ما هستید و نزد ما بزرگوارید. دفاع کنید و از نماز حفاظت کنید تا خدا شما را همیشه نگهبان و حافظ باشد.»

همین سفارش در سیره گفتاری و رفتاری اهل بیت - علیهم السلام - به چشم می‌خورد.

#### ترویج نماز و سیره اهل بیت

اهل بیت همواره مروج نماز و فرهنگ و معارف و آثار و برکات آن بوده‌اند، از جمله امام حسین - علیه السلام - هم برای دشمن، هم برای اصحابش و هم برای آیندگان درس نماز داد. امام در حالی که خودش، اصحاب و فرزندان‌ش تشنه بودند، از دشمن درخواست آب نکرد، ولی برای نماز و مناجات یک شب مهلت خواست. این عمل نشان دهنده ترویج، گسترش و درونی کردن حقیقت نماز در سراسر نظام ارزشی و جامعه معنوی اسلام است. چرا امام حسین - علیه السلام - برای زنده نگه داشتن خود و اهل بیتش دست به این کار نزد ولی برای زنده نگه

داشتن امر نماز این اقدام را انجام داد. آری! نماز یک شعار و ملاک اصلی و آرمانی برای همه ملل اسلامی است و بقا و دوام جامعه به چنین اقدامی وابسته است.

#### اهل بیت و استعانت از نماز

اهل بیت عاملان و حاملان قرآن کریم هستند. آنها در همه لحظات زندگی شریف و درس آموز خود از صبر و نماز کمک می گرفتند: ﴿اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾ استعانت از نماز یک ملکه رفتاری در سیره اهل بیت بوده است.

حسین بن علی - علیهما السلام - پس از نماز صبح روز عاشورا دو نکته را تذکر می دهد: یکی اصل کشته شدن که به امر پروردگار می باشد و دیگری یابداری و استقامت در برابر دشمنان، که هر دو نکته با نماز ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارند؛ زیرا اگر در قرآن مجید حکم نماز در آیات متعدد آمده است و نماز یکی از علایم اسلام و ایمان است، در شرایط خاص جنگ و جهاد و حتی در آن مرحله ای که شکست ظاهری و کشته شدن قطعی است، طبق فرمان الهی ادای آن واجب است و اما روح استقامت و یابداری در جهاد نیز باید از همان نماز به دست آید و از عبادت و معنویت مدد بگیرد؛ زیرا که خداوند خود فرمود: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾